

زن و حقوق کیفری: مجموعه مقاله‌ها، نتایج کارگروهها و اسناد نخستین همایش بین المللی زن و حقوق کیفری؛ گذشته، حال و آینده، زیرنظر نسرین مهران، انتشارات سلسیل، ۱۳۸۴.

### \* سرکوب بهره‌کشی زنان در پنهان بین‌المللی و اروپایی\*

رُنالد اُتنهف\*\*

ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی

امروزه، قاچاق اشخاص یکی از نگران‌کننده‌ترین جنبه‌های مجرمیت سازمان یافته است. این پدیده جدید نیست. زیرا، از دیرباز، این پدیده چه در قوانین داخلی و چه در زمینه مبارزه با برده‌داری سرکوب شده است. امروزه، برده‌داری جدید شکلهای دیگری به خود گرفته است که با گسترش شیوه‌های مختلف مجرمیت سازمان یافته ارتباط دارد.

از آنجاکه اهمیت این پدیده بارها مورد بحث و تأکید قرار گرفته است، توضیح بیشتر درباره آن ضروری به نظر نمی‌رسد؛ همچنان که این مسئله پیشتر نیز موضوع انحصاری شانزدهمین کنگره انجمن بین‌المللی حقوق جزا (بوداپست، سپتامبر ۲۰۰۵) بوده است.

آگاهی از خطرهایی که انواع مختلف جرم سازمان یافته برای کشورهای مردم‌سالار مدرن دربردارد، دولتها را به تنظیم، تدوین و تصویب اسناد حقوقی متناسب در این قلمرو ملزم کرده است.

بر این اساس، کنفرانس مربوط به جرم سازمان یافته (پالرمو، ایتالیا، دسامبر ۲۰۰۰) به امضای کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرم سازمان یافته فرامی‌منتھی شد. این کنوانسیون دارای چند پروتکل الحاقی مربوط به جنبه‌های خاص جرم سازمان یافته است<sup>۱</sup>.

\* La repression de L, exploitation des femmes au plan international et europeen

Reynald OTTENHOF \*\*: استاد ممتاز دانشگاه نانت (فرانسه) و معاون انجمن بین‌المللی حقوق جزا.

۱. درباره این کنوانسیون و پروتکلهای الحاقی آن، بنگرید به: سلیمی، صادق؛ جنایات سازمان یافته --->

نخستین پروتکل به «پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص بویژه زنان و کودکان» اختصاص دارد. این پروتکل به طور قطع نخستین سند بین‌المللی برای مبارزه علیه قاچاق و بهره‌کشی از انسانها است<sup>۱</sup>. ولی، به دلیل رویکرد کلی پروتکل به این پدیده و جنبهٔ عمده‌ای سرکوب‌گر آن بویژه به لحاظ توجه پروتکل به ویژگیهای نسبتاً جدید این نوع فعالیتهای مجرمانه که امروزه از گروههای مجرمانه سازمان یافته فراملی سر می‌زنند، با اسناد پیشین متفاوت است. این پروتکل در مورد قاچاق اشخاص است. این عنوان کلی ناشی از ضرورت عدم تبعیض میان انسانها بر اساس سن یا جنس است. ولی، در این مورد نباید اشتباه کرد. زیرا، همان‌گونه که بی‌درنگ در بخش دوم عنوان تأکید شده است، پیش از هر چیز زنان و کودکان موردنظر‌اند. دلیل آن نیز روش است. زیرا، زنان و کودکان به لحاظ آسیب‌پذیر بودن در واقع نخستین و بیشترین بزه‌دیدگان این پدیده‌اند.

در این مقاله، ابتدا این پدیده را با توجه به عدم کفایت اسناد بین‌المللی مبارزه با آن به طور خلاصه بررسی کرده و سپس به تحلیل مقررات پروتکل مربوط به قاچاق اشخاص می‌پردازیم.

### بخش نخست: قاچاق زنان و عدم تناسب اسناد بین‌المللی

کنوانسیونهای بین‌المللی متعددی به مسئلهٔ قاچاق انسان پرداخته‌اند. این کنوانسیونها از مجموعه‌ای قواعد و مقررات پیچیده تشکیل شده‌اند که در عین حال به گونه‌ای بسیار ناقص پاسخگوی ضرورتهای مبارزه با انواع قاچاق اند که امروزه وسعت آنها به طور کامل تغییر کرده است. این پدیده در قالب شبکه‌های بسیار سازمان یافته و قدرتمند توسعه می‌یابد که با استفاده از تسهیلات ارتباطات بین‌المللی و نقاط ضعف نظامهای کیفری سودهای هنگفتی به دست می‌آورد. در چنین شرایطی، تصویب یک سند بین‌المللی کیفری که محور آن مبارزه با این شبکه‌ها است، اساسی به نظر می‌رسد.

>---فراملی؛ تهران، انتشارات تهران صدا، ۱۳۸۲ [م].

(الف) گسترش فعالیت شبکه‌های مجرمانه در زمینه قاچاق زنان

قاچاق زنان شکلهای متعدد به خود می‌گیرد و به طور ذاتی یک پدیده پنهانی است؛ به گونه‌ای که، ارائه آمار یا حتا ارزیابیهای ساده در مورد آن بسیار مشکل است.

در این زمینه، ابتدا قوادی (پالندازی محبت) و سپس استخدام و بکارگیری بیگانگان در کارگاههای مخفی و بدون مجوز قانونی و سرانجام شکلهای جدیدی که به تازگی شناسایی شده اند – یعنی بهره کشی از زنان و کودکان از رهگذر و اداشتن آنان به تکدی، سرقت یا غارت دستگاههایی که با سکه پول کار می‌کنند – مطرح می‌شود.

قاچاق زنان به منظور بهره کشی جنسی پدیدهای معاصر محسوب می‌شود و به لحاظ سودهایی که در فعالیتهای مجرمیت سازمان یافته ایجاد می‌کند، گسترش یافته است. در کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتنگی یا در کشورهایی که به دلیل درگیریهای مسلحه داخلی یا بین‌المللی ویران شده اند، زنان بسیار آسیب‌پذیر. اند و آماجهای آسان و سودآوری محسوب می‌شوند. این اقدامها اغلب نسبت به قاچاق بین‌المللی مواد مخدر کمتر تعقیب می‌شوند.

سازمان بین‌المللی مهاجران بر این باور است که قاچاق زنان در سطح اتحادیه اروپا ۲۰۰,۰۰۰ تا ۳۰۰,۰۰۰ زن را شامل می‌شود. این ارقام تحت تأثیر مهاجرت سیل‌آسای زنان از افریقا و اروپای مرکزی و اروپای شرقی در حال افزایش است. این پدیده ابتدا کشورهایی را که نظارت بر روسپی‌گری در آنها ضعیف بوده و حتا وجود خارجی ندارد (هلند یا آلمان)، تحت تأثیر قرار داده و بتدریج به سایر کشورها بویژه فرانسه نیز سراحت کرده است.

بنا بر آمار اینترپل، حدود نیمی از روسپی‌گری موجود در اروپای غربی به زنانی مرتبط است که از خارج آمده اند و اغلب باندهای سازمان یافته از آنان بهره کشی می‌کنند. ویژگی اصلی این نوع روسپی‌گری آن است که پدیدهای فردی نیست یا قوادان منفرد از آن بهره کشی نمی‌کنند، بلکه آنها را شبکه‌های بسیار سازمان یافته و قوی اداره کرده و گسترش می‌دهند.

در حقیقت، ساختارهای مجرمانه در همه مرحله‌های قاچاق به شرح زیر مشاهده می‌شود:

۱. هنگام استخدام در کشور مبدأ، همان گونه که نمونه‌های فروش زنان و کودکان نشان

- می‌دهد، گاهی ربودن آنان جنبه اجباری دارد یا با قولهای فریبندگانی مبنی بر به دست آوردن شغل و وضعیت بهتر در کشورهای غربی صورت می‌گیرد؛
۲. هنگام انتقال به خارج که گاهی به شکل قانونی ولی اغلب به شکل پنهانی یا غیرقانونی سازمان‌دهی می‌شود.
  ۳. سرانجام، هنگام ورود به کشور مقصود که در آنجا این اشخاص اغلب تحت فشار و اجبار و بدون امکان فرار از سلطه کارفرمایان خود مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. این مجرمان اغلب به بزه‌دیدگان خود کاری اجباری مانند روسپی‌گری یا خدمت‌کاری تحمیل می‌کنند تا امکان پرداخت بدھیها (هزینه‌های خرید مدارک جعلی یا گرفتن روادید، سفر و مسکن) برای آنان فراهم شود.

تحقیقات و برآوردهای پلیس نشان می‌دهد که بزه‌دیدگان این قاچاق بیش از پیش جوان‌اند و مهم‌تر اینکه، بهره‌کشان آنان در توسل به شبکه‌های بسیار خشن ترس (تهدید یا تعرض جسمی، فشارهای روانی، و فشار بر خانواده فرد قاچاق شده در کشور مبدأ) به منظور حفظ تسلط بر این اشخاص تردید به خود راه نمی‌دهند. وضعیت غیرقانونی اغلب بزه‌دیدگان قاچاق در کشور مقصود ابزار فشار بسیار مؤثری در این زمینه محسوب می‌شود.

بزه‌دیدگان را اغلب یک گروه مورد بهره‌کشی قرار نمی‌دهند، بلکه آنان به شبکه‌های دیگری که در سایر شهرها و حتا در سایر کشورها فعال‌اند، منتقل شده و در عمل فروخته می‌شوند. این نوع قاچاق از یک سو مانند یک فعالیت اقتصادی عمل می‌کند که به دنبال بهره‌برداری از بازاری است که پردرآمد باشد و از سوی دیگر، به لحاظ پایین بودن هزینه‌های کسب درآمد، استفاده از زور و کم بودن نسبی خطرها، فعالیتی بسیار سودآور است.

در فرانسه، اداره مرکزی پلیس قضایی که دفتری تخصصی به این پدیده اختصاص داده است (دفتر مرکزی سرکوب قاچاق انسان)، هر ساله حدود بیست شبکه فعال در این زمینه را متلاشی می‌کند. اعضای این شبکه‌ها به طور عمدۀ از اروپای شرقی و کشورهای بالکان بویژه آلبانی، بلغارستان، جمهوری چک، اوکراین، افریقا (بویژه نیجریه و کامرون) اند.

این شبکه‌ها که در اوج گسترش به سر می‌برند، قدرت اقتصادی چشمگیری دارند؛ به گونه‌ای

که، تسهیلات متعددی را برای آنها در کشورهای مبدأ و عبوری فراهم می‌کند. گستردگی شریکان و معاونان که در مرحله‌های مختلف قاچاق مداخله می‌کنند و ویژگی فراملنی آنان اقدام واحدهای پلیس و بویژه سرکوب و متلاشی کردن این شبکه‌ها را دشوار می‌سازد.

به طور کلی، به نظر می‌رسد که این مجرمیت از فعالیت گروههای کوچک مستقل ولی شبکه‌دار و بسیار متحرک تشکیل شده است که بر اساس شیوه‌های سازمانهای مافیایی اقدام به قاچاق می‌کنند؛ یعنی، کنترل یک منطقه، توصل به ارعاب و خشونت علیه بزه‌دیدگان، رعایت قانون سکوت، و انتقال گسترده درآمدهای قاچاق به خانواده‌های خود در کشورهای متبع.

#### (ب) عدم انطباق اسناد بین‌المللی متعدد

مبازه با قاچاق زنان به لحاظ دفاع از کرامت اشخاص بی‌تردید از نخستین دغدغه‌هایی است که در اسناد بین‌المللی چندجانبه مورد توجه قرار گرفته است.

نخستین متن مربوط به برده‌داری در سده نوزدهم به تصویب رسید و به دنبال آن چند کنوانسیون مهم در نیمه نخست سده بیستم تنظیم و تدوین شد.

این متن در حد خود مشتمل بر مقرراتی در زمینه حقوق کیفری و همکاری بین‌المللی اند، ولی موضوع قاچاق اشخاص را فقط از نظر بهره‌کشی جنسی تعریف کرده اند. مفاد همه اسناد در کنوانسیون ۲ دسامبر ۱۹۴۹ در مورد سرکوب قاچاق انسان و بهره‌کشی از روپی‌گری دیگری یکجا مورد توجه قرار گرفت. این کنوانسیون ابزار مهمی برای مبارزه با قاچاق زنان محسوب می‌شود و هر چند حاوی مقررات دقیقی درباره تکلیف دولتها در مورد جرم‌انگاری «بهره‌کشی از روپی‌گری شخص دیگر، حتا یک شخص راضی» است، قاچاق را به طور دقیق تعریف نمی‌کند. کنوانسیون ۱۹۴۹ مبنای اغلب قوانین داخلی در زمینه سرکوب قوایدی است. ولی، در عین حال، تنها ۷۳ دولت آن را تصویب کرده اند. بیش از نیمی از کشورهای اتحادیه اروپا مانند آلمان، اتریش، یونان، ایرلند، هلند، پادشاهی انگلستان، سوئد و دانمارک که فقط آن را امضا کرده است و نیز کشورهای دیگری مانند ایالات متحده امریکا، سوئیس، کانادا، استرالیا و چین عضو آن نیستند. در سالهای اخیر، به موازات کنوانسیون ۱۹۴۹، کنوانسیونهای خاصی در جهت محو برده‌داری و کار اجباری نیز تصویب شده است. متن دیگری که قاچاق زنان و بهره‌کشی جنسی از آنان را به

طور همزمان مورد توجه قرار داده اند، تدوین شده و به تصویب رسیده اند؛ مانند کنوانسیون ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ ملل متحده درباره رفع همه شکل‌های تبعیض علیه زنان که تعهد دولتها را در محظوظ خاص حمایت از کودکان (پروتکل اختیاری ۲۵ مه ۲۰۰۰ کنوانسیون حقوق کودک درباره فروش کودکان، روپسی‌گری کودکان و هرزه‌نگاری که موضوع آن به نمایش گذاشتن کودکان است؛ و کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار درباره بدترین شکل‌های کار کودکان مصوب ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹). همه این کنوانسیونها به طور خاص در مقام حمایت از دختران جوان اند که بیشتر در معرض خطر قرار دارند.

به این استاد بین‌المللی باید استاد منطقه‌ای و بویژه استاد پذیرفته شده در اروپا را نیز افزود. شورای اروپا چند توصیه‌نامه را به تصویب رسانده است: توصیه‌نامه شماره ۱۳۲۵ (۱۹۹۷) در مورد قاچاق زنان و روپسی‌گری اجباری؛ توصیه‌نامه شماره ۱۱ (۲۰۰۰) R به تاریخ ۱۹ مه ۲۰۰۰ درباره مبارزه با قاچاق انسان به منظور بهره‌کشی جنسی؛ و سرانجام، توصیه‌نامه ۱۳۱ (اکتبر ۲۰۰۱) در مورد حمایت از کودکان در برابر بهره‌کشی جنسی که بویژه جرم قاچاق کودکان را با الهام از تعریف قاچاق در پروتکل نخست الحقیقی پالرمو<sup>۱</sup> پیش‌بینی کرده است.

اتحادیه اروپا با اقدام مشترک مصوب ۲۴ فوریه ۱۹۹۷ مبنی بر اتخاذ تدابیر در سطح داخلی کشورها (بویژه پیش‌بینی جرمها و بهبود همکاری میان دولتهاي عضو) و توجهی که به مبارزه علیه قاچاق انسان داشته است، پس از اجلاس شورای تامپر<sup>۲</sup> در اکتبر ۱۹۹۹ که دستیابی به تعریفهای مشترک در زمینه جرمها و ضمانت اجراهای را به منزله هدف مشخص کرد، تقویت شد. کمیسیون اروپایی نیز در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۰ یک طرح تصمیم‌کلی در مورد مبارزه علیه قاچاق انسان به شورا و پارلمان اروپایی ارائه کرد.

بدین سان، در برابر متنهای بسیاری قرار داریم که همدیگر را تکمیل کرده و گاهی به یکدیگر افزوده می‌شوند و از نظر حقوقی روی هم رفته مجموعه پیچیده‌ای را تشکیل می‌دهند. برخی از آنها دارای قلمرو و اثر جهانی اند و برخی دیگر در سطح منطقه‌ای اهمیت دارند. ولی،

۱. در این مورد، بنگرید به: جنایات سازمان یافته فرامیانی در کنوانسیون پالرمو [م].

2. tempere

همه آنها به دنبال حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق – البته با رویکردهای متفاوت – اند. به نظر می‌رسد که برخی از متون فقط به یک جنبه خاص از قاچاق زنان (بردهداری، کار اجباری و بهره‌کشی جنسی) توجه کرده اند. از سوی دیگر، در برخی از موارد، هدف آنها بیشتر پیشبرد اصولی است که گسترش قواعد اجتماعی (برای نمونه، ممنوعیت کار اجباری) را دنبال می‌کند تا سرکوب فعالیتهای مجرمانه را. سرانجام، این متون اغلب توجه خود را به مبتکر یا منتفع مستقیم قاچاق محدود می‌کنند و بر این اساس، همه واسطه‌ها را که استقرار یک نظام سازمان‌یافته مبتنی بر بهره‌کشی از اشخاص را در ابدا یا انتهای فرایند قاچاق امکان‌پذیر می‌سازد، کنار می‌گذارد.

بنابراین، به منظور مبارزة مؤثرتر علیه شبکه‌های مجرمانه فرامی‌بود که تنظیم و تدوین یک سند کیفری جهانی جامع همه شکل‌های قاچاق اشخاص و به طور خاص قاچاق زنان در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفت. پروتکل الحاقی مربوط به قاچاق اشخاص در واقع برای پاسخ به این هدف تهیه و تنظیم شده است. بررسی مقررات عمده این پروتکل موضوع بخش دوم این مقاله است.

## بخش دوم: فرایند تنظیم و مقررات پروتکل علیه قاچاق اشخاص

(الف) تهیه و تنظیم پروتکل علیه قاچاق اشخاص  
مبارزه با قاچاق زنان و کودکان از همان آغاز کار تنظیم و تدوین پیش‌نویس کنوانسیون مجرمیت سازمان‌یافته فرامی‌بود که شایسته یک پروتکل الحاقی خاص تشخیص داده شد.

بر اساس دو پیش‌نویس ارائه شده ایالات متحده امریکا و آرژانتین بود که در کمتر از دو سال متن پروتکل علیه قاچاق اشخاص تنظیم شد. قلمرو پروتکل که در آغاز به قاچاق زنان و کودکان محدود می‌شد، به طور کلی به قاچاق اشخاص تعمیم داده شد؛ ولی با حفظ تأکید خاص بر رایج‌ترین شکل قاچاق که زنان و کودکان بزه‌دیده‌اند. مذاکره‌ها با تفاوتها ملموس رویکرد دولتها (حتا کشورهای عضو اتحای اروپا) در برابر پدیده روسپی‌گری و بهره‌کشی همراه بود. در

واقع، برحسب سنت حقوقی خاص هر دولت، شکاف مهمی میان کشورها وجود دارد. در نظام حقوقی ممنوعیت‌گرا (مانند ایالت متحده امریکا، چین، کشورهای خلیج فارس و...)، روسپی‌گری، سازمان‌دهی و بهره‌برداری از آن ممنوع است و جرم‌انگاری می‌شود. بدین سان، روسپیان، قوادان و مشتریان جملگی از نظر کیفری تعقیب‌شدنی اند.

در نظام حقوقی قانون‌مندساز (مانند آلمان و تا اندازه‌ای هلند، یونان، ترکیه و...)، روسپی‌گری همچون یک رفتار یا پدیده نامطلوب ضروری انگاشته می‌شود و بنابراین، تحت مقررات اداری قرار دارد (شناسنامه‌دار کردن زنان روسپی، نظارت پزشکی و قانونی کردن روسپی‌خانه‌ها یا محله‌های خاص روسپی‌گری). از نظر حقوقی، بهره‌برداری (استفاده مالی) از روسپی‌گری دیگری از نظر کیفری تعقیب‌شدنی نیست. فقط آعمال مرتبط با روسپی‌گری دختران یا اشخاص بزرگ‌سال را که به روسپی‌گری خود رضایت ندارند، می‌توان تعقیب و مجازات کرد. سرانجام، در نظام حقوقی الغاگرا (مانند فرانسه و سوئد)، هدف لغو و محو روسپی‌گری نیست، بلکه الغای نظام حقوقی‌ای است که روسپی‌گری را قانونمند می‌سازد. بهره‌برداری از روسپی‌گری – یعنی قوادی – جرم است. ولی، اشخاصی که تن به روسپی‌گری می‌دهند و مشتریان آنان را به لحاظ کیفری نمی‌توان تعقیب کیفری کرد.

این اختلاف رویکردها در قبال روسپی‌گری مشکلاتی را هنگام مذاکره‌ها ایجاد کرد. برای نمونه، دولتهای قانون‌مندساز (هلند، آلمان و استرالیا) مایل بودند که میان روسپی‌گری داوطلبانه (آزادانه) و روسپی‌گری اجباری تفاوت قائل شوند. کشورهای دارای سنت الغاگرایی (فرانسه، بلژیک، فنلاند و نروژ) این تفکیک را رد کردند. دیگر کشورهای عضو کنوانسیون سرکوب قاچاق انسان و بهره‌برداری از روسپی‌گری دیگری مصوب ۱۹۴۹ مانند مکزیک، فیلیپین، کشورهای افریقا و فرانسه‌زبان نیز به موضع مذبور پیوستند. سرانجام، بینش الغاگرایی پذیرفته شد. ولی، مقرر شد که ماده‌ای به عدم تأثیر رضایت بزه‌دیده بهره‌کشی جنسی اختصاص داده شود.

در مورد شکلهای بهره‌کشی، شماری از دولتها مایل بودند که موارد آن به طور دقیق برشمرده شده و تعریف شود. سرانجام، فهرستی غیرحصری بدون تعریف واژه‌ها و عبارتها تهیه شد که در آن، مفهوم گسترده قاچاق مطرح و پذیرفته شد. این مفهوم دست‌کم رایج‌ترین شکلهای

بهره‌کشی از زنان را شامل می‌شود. بازگرداندن بزه‌دیدگان قاچاق موجب بروز اختلاف‌نظر میان کشورهای مبدأ و کشورهای مقصد شد.

پروتکل الحاقی علیه قاچاق اشخاص در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ هم‌زمان با کنوانسیون مبارزه با مجرمیت سازمان‌یافته فراملی و پروتکل الحاقی علیه قاچاق مهاجران به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. تاکنون ۱۱۷ کشور پروتکل علیه قاچاق اشخاص را امضا کرده اند که از میان آنها ۲۷ کشور آن را تصویب کرده و عضو آن نیز شده اند<sup>۱</sup>.

### (ب) مقررات پروتکل

پروتکل مبارزه علیه قاچاق اشخاص سندی کلی است که از یک سو تدبیر پیشگیرانه و سرکوبگر و از سوی دیگر مقرراتی را در زمینه همکاری، تبادل اطلاعات، آموزش و سرانجام مقرراتی را برای بهبود حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص پیش‌بینی کرده است. همچنین، این پروتکل ضمن ارائه تعریفی دقیق از قاچاق اشخاص، دولتها را مکلف می‌کند که آن را در حقوق خود جرم‌انگاری کنند.

باید یادآوری کرد که اصل مجرمیت دوگانه (جرائم بودن یک فعل یا ترک فعل در حقوق کیفری دو کشوری که تمایل دارند با یکدیگر همکاری کنند) که مبنای هر گونه همکاری قضایی بین‌المللی مؤثر بویژه به منظور استرداد مجرمان و متهمان است، مستلزم هماهنگ‌سازی جرمها یعنی تعریفهای یکسان در قوانین کیفری دولتها مختلف است.

ماده ۳ قاچاق اشخاص را به این شرح تعریف می‌کند: استخدام، حمل، انتقال، اسکان یا پذیرایی از اشخاص به منظور بهره‌کشی، از رهگذر تهدید توسل به زور یا استفاده از زور یا سایر شکلهای فشار و اجبار از رهگذر ر Ibid، تقلب، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا یک موقعیت آسیب‌پذیر یا دادن یا پذیرش پرداخت وجه یا مزایا برای جلب رضایت شخص که نسبت به شخص دیگری دارای نفوذ است.

بهره‌کشی به طور غیرحصری تعریف شده و دست‌کم آعمال زیر را شامل می‌شود:

۱. این پروتکل پس از تصویب دست‌کم دولت لازم‌اجرا می‌شود. خود کنوانسیون پالرمو به امضای ۱۴۷ کشور رسیده و ۳۷ دولت نیز آن را تصویب کرده اند.

- بهره‌برداری از روپیگری دیگری یا سایر شکلهای بهره‌کشی جنسی؛
- کار یا خدمات اجباری؛
- برده‌داری<sup>۱</sup> یا آعمال مشابه آن؛
- بردگی<sup>۲</sup>؛
- برداشت عضو.

نکته بسیار مهم دیگر در تعریف مورد نظر پروتکل در مورد قاچاق اشخاص آن است که به موجب ماده ۳، رضایت بزه‌دیده جرم قاچاق برای بهره‌کشی از شخص دیگر هیچ تأثیری بر وصف عمل مجرمانه ندارد. این قید ماده ۳ جنبه حمایتی بسیاری برای بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص دارد.

در مجموع، تعریف قاچاق اشخاص به اندازه کافی برای سرکوب همه واسطه‌ها و افراد درگیر در این جرم و نیز همه وسائلی که برای استخدام بزه‌دیدگان (چه از رهگذر اجبار و چه با فریب و نیرنگ) بکار گرفته می‌شود، گستردۀ به نظر می‌رسد. وانگهی، مسئله رضایت احتمالی بزه‌دیده نیز منتفی است. زیرا، هیچ تأثیری بر وصف کیفری عمل ندارد.

ماده ۵ به دولت عضو تکلیف می‌کند که جرم قاچاق اشخاص را با تعریفی که از آن ارائه شد، در حقوق کیفری خود پیش‌بینی کند. شروع به جرم، معاونت یا مشارکت در ارتکاب جرم نیز باید جرم‌انگاری شود. این پروتکل یک دسته مقررات دیگر ویژه حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص را نیز شامل می‌شود که آنان را به طور عمدۀ زنان تشکیل می‌دهند.

شایسته است که دو نکته در زمینه این مقررات مورد تأکید قرار گیرد. نخست، دولتهای عضو مکلف شده اند که از هویت بزه‌دیدگان قاچاق در جریان رسیدگی‌های کیفری حمایت کنند و کمک حقوقی مناسب را نیز برای آنان فراهم کنند؛ دوم، دولتهای عضو باید به این بزه‌دیدگان که اغلب به طور غیرقانونی وارد کشورها می‌شوند، اجازه دهند تا در کشور محل اقامت خود به طور موقت یا دائم باقی بمانند. این امر خود یک توافق دشوار میان کشورهای مقصد و کشورهای مقصد و

کشورهای مبدأ محسوب می‌شود. کشورهای اخیر به موجب ماده ۸ متعهد می‌شوند که اتباع خود را بدون تأخیر ناموجه یا نامعقول بپذیرند. ولی، دولتهایی که زنان را به کشورهای خود بازمی‌گردانند، باید بویژه از نظر شرایط امنیت شخصی در کشور مبدأ خود برخی احتیاطها را اعمال کنند. اصلی که به موجب آن این بازگشت باید ترجیحاً داوطلبانه باشد، نیز در ماده ۸ پیش‌بینی شده است.

سرانجام، پروتکل الحقیقی مقرراتی را به پیشگیری و همکاری بین‌المللی اختصاص داده است. این مقررات در مورد برنامه‌های پیشگیری، تبادل اطلاعات، اتخاذ تدابیر در مرزها، امنیت و کنترل مدارک به طور عمدۀ ترغیب‌کننده‌اند.

### نتیجه‌گیری

با وجود آنکه باید از نظر محتوا و کارایی نسبت به اسناد بین‌المللی متعدد دارای جنبه کیفری که از حدود ده سال پیش به این سو تنظیم و تصویب شده اند محظوظ بود، پروتکل الحقیقی مبارزه با قاچاق اشخاص این نفع انکارناپذیر را دارد که به ماهیت از این پس سازمان یافته و فراملي این نوع قاچاق توجه می‌کند و راه را برای تقویت و هماهنگ‌سازی قوانین کیفری (بویژه در کشورهای که شبکه مجرمانه در این قلمرو مجرمانه در آنجا فعال اند) باز می‌کند.

بدیهی است که پروتکل الحقیقی و مجموعه اسناد بین‌المللی از نظر ماهیت به گونه‌ای تنظیم شده اند که سرکوبی کیفری مؤثرتری را نسبت به گذشته تضمین می‌کنند. ولی، در زمینه قاچاق اشخاص، تا هنگامی که در قوانین داخلی و افکار عمومی از توجه به زنان، احترام به کرامت و برابری حقوقی آنان (با حقوقی مردان) سر باز زده شود و از حمایت بهداشتی و اجتماعی که همه انسانها مستحق آن اند بهره‌مند نشوند، این اسناد تنها حمایتی ناکافی از آنان به عمل خواهند آورد.<sup>۱</sup>

۱. در مورد قاچاق زنان، بنگرید به: اشتربی، بهناز؛ *قاچاق زنان، برداشتی معاصر*؛ تهران، انتشارات اندیشه برتر، چاپ اول، ۱۳۸۰؛ السان، مصطفی؛ *قاچاق زنان و کودکان؛ فصلنامه رفاه اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی؛ ش ۱۶، ۱۳۸۴، ص ۶۴-۲۲۹.